

Submit Date: 24 February 2026

Revise Date: 02 June 2026

Accept Date: 09 June 2026

Publish Date: 22 June 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Liability of the Board of Directors of Joint-Stock Companies under Iranian and Iraqi Law: A Study of the Legal Nature and Foundations of Liability

Lida Sobati¹, Abdolrahim Moradi^{1*}

1. Department of Private Law, Se.C., Islamic Azad University, Semnan, Iran

* Corresponding Author's Email: ab.moradi@iau.ac.ir

ABSTRACT

The liability of the board of directors in joint-stock companies constitutes one of the most significant issues in corporate law, as this corporate body is responsible for the practical administration and direction of the company, and its decisions may directly affect the rights and interests of shareholders, creditors, and third parties. In Iranian and Iraqi law, although the structure of the joint-stock company is founded upon the independent legal personality of the company and the separation of ownership from management, the foundations and legal consequences of directors' liability are not identical in the two legal systems. Under Iranian law, the Legal Bill Amending Certain Parts of the Commercial Code, particularly Articles 142 and 143, establishes the principal framework governing directors' liability and grounds such liability in violations of statutory provisions, the articles of association, resolutions of the general meeting, and fault in the performance of managerial duties. Under Iraqi law, the liability of the board of directors may similarly be analyzed on the basis of the Companies Law and the general rules of civil liability, although Iraqi law is comparatively less explicit in its statutory provisions and provides a less precise differentiation among the various legal grounds of liability. Employing a descriptive-analytical and comparative approach, this study examines the legal nature of the relationship between the board of directors, the company, and its shareholders and demonstrates that the organ theory is more compatible with the legal structure of the joint-stock company than the agency theory. The study further concludes that, in both legal systems, directors' liability may be explained on the basis of fault, breach of statutory duties, and the necessity of protecting the interests of the company and injured parties.

Keywords: Board of Directors, Joint-Stock Company, Civil Liability, Iranian Law, Iraqi Law, Organ Theory, Commercial Law

How to cite: Sobati, L. & Moradi, A. (2026). Liability of the Board of Directors of Joint-Stock Companies under Iranian and Iraqi Law: A Study of the Legal Nature and Foundations of Liability. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-21.



تاریخ ارسال: ۵ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۹ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

مسئولیت هیئت مدیره شرکت های سهامی در حقوق ایران و عراق: مطالعه در ماهیت حقوقی و مبانی مسئولیت

لیدا ثباتی^۱، عبدالرحیم مرادی^{*}

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: ab.moradi@iau.ac.ir

چکیده

مسئولیت هیئت مدیره در شرکت های سهامی، از مهم ترین مباحث حقوق شرکت هاست؛ زیرا این رکن، اداره و هدایت عملی شرکت را بر عهده دارد و تصمیمات آن می تواند به طور مستقیم بر حقوق سهامداران، بستانکاران و اشخاص ثالث اثر بگذارد. در حقوق ایران و عراق، هرچند ساختار شرکت سهامی بر استقلال شخصیت حقوقی و تفکیک مالکیت از مدیریت استوار است، اما مبانی و آثار مسئولیت مدیران در این دو نظام یکسان نیست. در حقوق ایران، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، به ویژه مواد ۱۴۲ و ۱۴۳، چارچوب اصلی مسئولیت مدیران را ترسیم می کند و آن را بر پایه تخلف از قانون، اساسنامه، مصوبات مجمع عمومی و تقصیر در انجام وظایف مدیریتی استوار می سازد. در حقوق عراق نیز، با اتکاء به قانون شرکت ها و قواعد عمومی مسئولیت مدنی، مسئولیت هیئت مدیره قابل تحلیل است، هرچند این نظام از حیث تصریح قانونی و تفکیک دقیق مبانی مسئولیت، از حقوق ایران اجمال بیشتری دارد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، ماهیت حقوقی رابطه هیئت مدیره با شرکت و سهامداران را بررسی کرده و نشان می دهد که نظریه رکن، بیش از نظریه وکالت، با ساختار شرکت سهامی سازگار است. همچنین نتیجه می گیرد که مسئولیت مدیران در هر دو نظام، بر پایه تقصیر، نقض تکالیف قانونی و ضرورت حمایت از منافع شرکت و اشخاص زیان دیده قابل تبیین است.

کلیدواژگان: هیئت مدیره، شرکت سهامی، مسئولیت مدنی، حقوق ایران، حقوق عراق، نظریه رکن، قانون تجارت

نحوه استناددهی: ثباتی، لیدا، و مرادی، عبدالرحیم. (۱۴۰۵). مسئولیت هیئت مدیره شرکت های سهامی در حقوق ایران و عراق: مطالعه در ماهیت حقوقی و مبانی مسئولیت. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۲)، ۱-۲۱.



این پژوهش، واکاوی جایگاه حقوقی هیئت‌مدیره و تحلیل تطبیقی مبانی مسئولیت آن در این دو نظام حقوقی است. این پرسش بنیادی مطرح است که آیا هیئت‌مدیره را باید صرفاً وکیل شرکت دانست یا رکنی مستقل که اراده‌اش، اراده خود شخص حقوقی است؟ (Habibzadeh, 2016). این پرسش از آن جهت حائز اهمیت است که در صورت پذیرش نظریه وکالت، مسئولیت مدیران به قواعد عقد نیابت تقلیل می‌یابد، حال آن‌که پذیرش نظریه ارگانی، ماهیت مسئولیت آنان را به یک مسئولیت ناشی از حاکمیت شرکتی و تکلیف قانونی تغییر می‌دهد (Ouladi, 2008). اهمیت و ضرورت این مطالعه در سطح عملی، در افزایش امنیت حقوقی و حمایت از بستانکاران و سهامداران خرد نهفته است. در فقدان رویه‌های قضایی منسجم در حقوق عراق و ابهام در تفسیر مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی تجارت ایران، فقدان یک استاندارد واحد برای «مدیر متعارف» (Duty of Care) می‌تواند منجر به تزلزل در اعتماد تجاری شود (Ghasemi, 2016). این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، بر آن است تا با بازخوانی دکرترین حقوقی و بررسی رویه‌های حاکم، پاسخی منسجم به پرسش‌های تحقیق ارائه دهد. هدف غایی، دستیابی به الگویی بهینه برای مسئولیت هیئت‌مدیره است که ضمن حفظ آزادی عمل مدیران در اداره امور شرکت، تضمین‌کننده منافع اشخاص زیان‌دیده در هر دو نظام حقوقی ایران و عراق باشد. سؤالات کلیدی تحقیق عبارت‌اند از: ماهیت حقوقی رابطه هیئت‌مدیره با شرکت در حقوق ایران و عراق چیست؟ مبانی مسئولیت هیئت‌مدیره در این دو نظام حقوقی تا چه حد از قواعد عمومی مسئولیت مدنی فاصله گرفته و به سمت قواعد خاص «مسئولیت شرکتی» متمایل شده است؟ و نهایتاً کدام نظام حقوقی در تبیین مسئولیت مدیران در برابر اشخاص ثالث، از کارآمدی و انسجام بیشتری برخوردار است؟ فرضیه پژوهش بر این استوار است که در هر دو نظام حقوقی، ماهیت رابطه مدیران با شرکت از

شرکت سهامی به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین و کارآمدترین ابزارهای حقوقی در اقتصاد مدرن، نقشی محوری در تمرکز سرمایه‌های خرد و کلان و مدیریت ریسک‌های تجاری ایفا می‌کند. این ساختار حقوقی، با تفکیک مالکیت سهامداران از مدیریت اجرایی، امکان پویایی فعالیت‌های اقتصادی را فراهم آورده است؛ اما همین جدایی ساختاری، بستر پیدایش چالش‌های حقوقی پیچیده‌ای در زمینه مسئولیت مدیران شده است. در رأس این ساختار، هیئت‌مدیره نه تنها به‌عنوان نماینده و اداره‌کننده شخص حقوقی، بلکه به‌مثابه رکن تصمیم‌ساز و استراتژیک شرکت ایفای نقش می‌کند و اقدامات آن، سرنوشت مالی شرکت و حقوق ذی‌نفعان را به‌طور مستقیم رقم می‌زند (Eskini, 2019). از همین رو، تبیین دقیق مبانی و قلمرو مسئولیت مدنی این رکن، یکی از مسائل کلیدی در حقوق تجارت تطبیقی است که همواره میان دیدگاه‌های کلاسیک وکالت و نظریه‌های نوین ارگانی در نوسان بوده است (Katouzian, 2015). در حقوق ایران، با وجود لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، همچنان ابهاماتی در خصوص ماهیت مسئولیت مدیران (اعم از قراردادی یا قانونی) و نحوه انتساب تقصیر به آنان وجود دارد. مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ این قانون، علی‌رغم تلاش برای ایجاد چارچوبی منسجم، در مقام عمل با چالش‌های تفسیری در دادگاه‌ها روبه‌رو هستند، به‌ویژه آن‌که مرز میان تقصیر شخصی مدیر و تقصیر ارگانی شرکت، همواره محل بحث‌های دکرینال است (Erfani, 2010). در سوی دیگر، نظام حقوقی عراق با اتکا به قانون شرکت‌های مصوب ۱۹۹۷ و قواعد عام قانون مدنی، اگرچه ساختاری مشابه در تشکیل شرکت‌ها دارد، اما در رویه‌های قضایی و دکرترین حقوقی، با خلأهای قابل توجهی در زمینه «مسئولیت مدیران» مواجه است و ناگزیر به تفسیرهای موسع از قواعد عام مسئولیت مدنی متوسل می‌شود (Khalil, 2008). مسئله اصلی

قالب سنتی «وکالت» خارج و به سمت «رکن ارگانی» سوق یافته است؛ با این حال، حقوق ایران در تعیین ضمانت‌اجراهای مسئولیت تضامنی مدیران، گامی فراتر از حقوق عراق برداشته است.

کلیات و مبانی نظری

مطالعه و تحلیل ساختار اداره شرکت‌های تجاری نشان می‌دهد که توزیع قدرت و مسئولیت در این نهادها، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوق خصوصی است. در میان انواع شرکت‌های تجاری، شرکت سهامی به‌عنوان نماد بارز تجمع سرمایه و تفکیک مالکیت از مدیریت، جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های اقتصادی مدرن دارد. اداره این شخصیت حقوقی پیچیده به بازویی اجرایی و تصمیم‌گیر نیاز دارد که در قوانین موضوعه تحت عنوان هیئت‌مدیره تعریف می‌شود. از آنجا که اقدامات، تصمیمات و خط‌مشی‌های این نهاد مدیریتی مستقیماً بر سرنوشت دارایی‌های شرکت، حقوق سهامداران و حقوق اشخاص ثالث معامله‌کننده با شرکت تأثیر می‌گذارد، تبیین دقیق جایگاه حقوقی و مبانی مسئولیت آنان امری اجتناب‌ناپذیر است (Eskini, 2019). طرح بحث در باب کلیات و مبانی نظری این موضوع، گام نخست در جهت درک چگونگی توازن میان اختیارات گسترده مدیران و ضمانت‌اجراهای ناشی از سوءاستفاده یا تقصیر در اعمال این اختیارات است. بدون داشتن یک درک روشن از ماهیت حقوقی رابطه مدیران با شرکت و مبانی سنتی و مدرن مسئولیت، نمی‌توان به ارزیابی تطبیقی و تحلیل قوانین خاص کشورها پرداخت. در این بخش، تلاش می‌شود تا بستر نظری لازم برای ورود به مباحث تفصیلی فراهم گردد. این بستر نظری شامل تعریف مفاهیم پایه‌ای، توصیف ساختار رابطه حقوقی میان ارکان شرکت و در نهایت تبیین فلسفه مسئولیت در حقوق شرکت‌ها است (Katouzian, 2015). برای دستیابی به این هدف، مباحث این بخش در سه محور اساسی سازماندهی شده است. ابتدا در بخش نخست، مفهوم شرکت سهامی و جایگاه ساختاری هیئت‌مدیره به‌عنوان رکن اداره‌کننده مورد بررسی قرار

می‌گیرد تا مشخص شود این نهاد چگونه اراده شخص حقوقی را در دنیای خارج محقق می‌سازد. سپس در بخش دوم، ماهیت حقوقی رابطه هیئت‌مدیره با شرکت و سهامداران از منظر نظریه‌های مختلف حقوقی مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا مشخص شود آیا مدیران وکیل شرکت هستند یا ارکان سازنده آن. در نهایت، بخش سوم به مبانی نظری مسئولیت مدیران اختصاص دارد تا مشخص شود چرا و تحت چه شرایطی می‌توان مدیر را به دلیل تصمیمات تجاری‌اش مسئول قلمداد کرد. این مسیر منطقی، ذهن خواننده را برای درک جزئیات حقوق موضوعه ایران و عراق در بخش‌های بعدی آماده می‌سازد.

مفهوم شرکت سهامی و جایگاه هیئت‌مدیره

شرکت سهامی در نظام حقوقی ایران و عراق، یکی از مهم‌ترین قالب‌های حقوقی برای سازمان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است. اهمیت این نوع شرکت بیش از هر چیز در قابلیت آن برای تجمع سرمایه‌های پراکنده، تفکیک مالکیت از مدیریت و محدود کردن مسئولیت سهامداران به میزان آورده آنان جلوه‌گر می‌شود. در شرکت سهامی، برخلاف شرکت‌های مبتنی بر شخصیت شرکا، سرمایه نقش محوری دارد و سهامداران الزاماً در اداره مستقیم شرکت دخالت نمی‌کنند؛ بلکه اداره امور شرکت به نهادی تخصصی و سازمان‌یافته به نام هیئت‌مدیره سپرده می‌شود. به همین جهت، شرکت سهامی را نمی‌توان صرفاً یک قرارداد خصوصی میان سهامداران دانست، بلکه باید آن را یک سازمان حقوقی مستقل با شخصیت، دارایی و ارکان متمایز تحلیل کرد؛ سازمانی که اراده آن از طریق ارکان قانونی، به‌ویژه مجمع عمومی، هیئت‌مدیره و بازرسان، شکل می‌گیرد و در عرصه حقوقی اثرگذار می‌شود (Eskini, 2019). در حقوق ایران، اگرچه قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ تعریف جامع و مستقلی از شرکت تجاری ارائه نکرده‌اند، اما از مجموعه مقررات قانونی می‌توان استقلال شخصیت حقوقی

شرکت سهامی را استنباط کرد. ماده ۵۸۳ قانون تجارت ایران، شرکت‌های تجاری را دارای شخصیت حقوقی می‌داند و ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت نیز مسئولیت صاحبان سهام را محدود به مبلغ اسمی سهام آنان معرفی می‌کند. این ویژگی، شرکت سهامی را از شرکت مدنی جدا می‌سازد؛ زیرا شرکت مدنی در ماده ۵۷۱ قانون مدنی ایران بر «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه» استوار است، در حالی که شرکت سهامی دارای شخصیت حقوقی، دارایی مستقل و ساختار ارکانی است. در شرکت مدنی، اداره مال مشترک تابع توافق شرکا است و ماده ۵۷۶ قانون مدنی نیز بر همین معنا دلالت دارد؛ اما در شرکت سهامی، اداره شرکت تابع قواعد آمره قانون تجارت، اساسنامه و تصمیمات ارکان قانونی شرکت است. از این رو، تحلیل شرکت سهامی بر پایه قواعد شرکت مدنی، تحلیلی ناقص و غیرمنطبق با ماهیت نهادی شرکت‌های تجاری خواهد بود (Katouzian, 2015). در حقوق عراق نیز شرکت سهامی جایگاهی مشابه دارد، هرچند قانون‌گذار عراقی در تعریف شرکت، همچنان بر عنصر قراردادی آن تأکید کرده است. بند نخست ماده ۴ قانون شرکت‌های عراق مقرر می‌دارد که شرکت، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص متعهد می‌شوند با تقدیم سهمی از مال یا کار، در یک فعالیت اقتصادی مشارکت کنند و سود یا زیان حاصل از آن را میان خود تقسیم نمایند. با وجود این، تحلیل مقررات قانون شرکت‌های عراق نشان می‌دهد که شرکت، پس از تشکیل، از مرحله قرارداد صرف عبور می‌کند و به شخص حقوقی مستقل تبدیل می‌شود. این شخص حقوقی مستقل، برای تحقق اراده و اداره امور خود، نیازمند ارکان قانونی است و هیئت‌مدیره در شرکت سهامی، مهم‌ترین رکن اداره‌کننده آن به شمار می‌رود. بنابراین، همانند حقوق ایران، در حقوق عراق نیز نباید شرکت سهامی را صرفاً رابطه‌ای قراردادی میان شرکا دانست؛ بلکه باید آن را نهادی سازمان‌یافته با شخصیت حقوقی مستقل تحلیل کرد

(Jasim, 2017). جایگاه هیئت‌مدیره در شرکت سهامی از آن جهت اساسی است که این نهاد، مسئول اداره مستمر شرکت و اتخاذ تصمیم‌های اجرایی در چهارچوب قانون و اساسنامه است. در حقوق ایران، ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر می‌کند که شرکت سهامی به وسیله هیئت‌مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده‌اند اداره می‌شود. همچنین ماده ۱۱۸ همان لایحه بیان می‌دارد که جز درباره موضوعاتی که به موجب قانون در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند، مشروط بر آن‌که تصمیمات و اقدامات آنان در حدود موضوع شرکت باشد. این مقررات نشان می‌دهد که هیئت‌مدیره در شرکت سهامی صرفاً مأمور اجرای دستورات سهامداران نیست، بلکه رکن قانونی اداره شرکت است و اختیار اداره امور شرکت را مستقیماً از قانون و اساسنامه دریافت می‌کند (Demirchili et al., 2018). در حقوق عراق نیز هیئت‌مدیره یا مجلس اداره، در شرکت سهامی، جایگاه رکن اداره‌کننده را دارد و وظیفه آن اداره شرکت در حدود مقررات قانون، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی است. هرچند ساختار قانون شرکت‌های عراق با لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران تفاوت‌هایی دارد، اما در هر دو نظام، هیئت‌مدیره نهادی است که اراده عملی شرکت از طریق آن ظاهر می‌شود. به همین دلیل، تصمیمات هیئت‌مدیره در قلمرو اختیارات قانونی، به خود شرکت منتسب می‌شود و آثار آن متوجه شخص حقوقی خواهد بود. این تحلیل با نظریه سازمانی شرکت تجاری سازگارتر است؛ زیرا شرکت سهامی بدون هیئت‌مدیره، توانایی عملی برای ورود به روابط حقوقی، انعقاد قراردادها و اداره دارایی خود را ندارد (Ouladi, 2008).

ماهیت حقوقی رابطه هیئت‌مدیره با شرکت و سهامداران

تعیین ماهیت حقوقی رابطه هیئت‌مدیره با شرکت و سهامداران، از مباحث بنیادین حقوق شرکت‌هاست؛ زیرا نوع تحلیل این رابطه،

آثار مستقیمی بر حدود اختیارات مدیران، نحوه انتساب اعمال آنان به شرکت، مسئولیت مدنی آنان و امکان طرح دعوا علیه آنان دارد. در این زمینه، چند نظریه اصلی مطرح شده است: نظریه وکالت، نظریه نمایندگی قانونی، نظریه قراردادی و نظریه رکن. هر یک از این نظریه‌ها بخشی از واقعیت رابطه مدیران با شرکت را توضیح می‌دهند، اما در تحلیل نهایی، نظریه رکن با ماهیت شرکت سهامی و ساختار حقوقی آن سازگاری بیشتری دارد. بر اساس نظریه وکالت، مدیران شرکت به منزله وکلای شرکت یا سهامداران تلقی می‌شوند و اختیارات خود را از اراده موکل، یعنی شرکت یا سهامداران، دریافت می‌کنند. این نظریه، به‌ویژه در حقوق سنتی شرکت‌ها، از آن جهت مطرح شده که مدیران توسط سهامداران انتخاب می‌شوند و به اداره اموالی می‌پردازند که نهایتاً منافع اقتصادی آن به سهامداران بازمی‌گردد. با این حال، تحلیل رابطه هیئت‌مدیره با شرکت سهامی بر پایه عقد وکالت با اشکالات جدی روبه‌روست. در عقد وکالت، موکل می‌تواند حدود اختیارات وکیل را تعیین کند و اصولاً هر زمان بخواهد او را عزل نماید؛ در حالی که اختیارات هیئت‌مدیره در شرکت سهامی، صرفاً تابع اراده سهامداران نیست، بلکه قانون و اساسنامه نیز حدود آن را تعیین می‌کنند. افزون بر این، مدیران در بسیاری از موارد مکلف‌اند مصلحت شخص حقوقی شرکت را رعایت کنند، حتی اگر این مصلحت با منفعت کوتاه‌مدت برخی سهامداران تعارض داشته باشد (Ouladi, 2008). نظریه نمایندگی قانونی نیز می‌کوشد رابطه هیئت‌مدیره با شرکت را بر مبنای اعطای اختیار از سوی قانون تحلیل کند. مطابق این دیدگاه، مدیران نه وکیل قراردادی سهامداران، بلکه نمایندگان قانونی شرکت هستند و قانون به آنان اختیار داده است تا در حدود موضوع شرکت و مقررات اساسنامه، برای شخص حقوقی تصمیم بگیرند. این نظریه از نظریه وکالت دقیق‌تر است؛ زیرا نقش قانون را در تعیین اختیارات و مسئولیت‌های مدیران برجسته می‌سازد. با این حال، همچنان این

اشکال را دارد که هیئت‌مدیره را تا حدی بیرون از ساختار شخص حقوقی و در مقام نماینده آن تصور می‌کند؛ حال آن‌که در شرکت سهامی، هیئت‌مدیره نه صرفاً نماینده بیرونی شرکت، بلکه بخشی از ساختار اراده‌ساز آن است. به همین دلیل، نظریه نمایندگی قانونی نیز به‌تنهایی نمی‌تواند ماهیت کامل رابطه مدیران با شرکت را تبیین کند. نظریه رکن، تحلیلی دقیق‌تر و منطبق‌تر با ساختار شرکت سهامی ارائه می‌دهد. بر اساس این نظریه، هیئت‌مدیره یکی از ارکان شخص حقوقی شرکت است و اراده شرکت از طریق آن شکل می‌گیرد و اعمال می‌شود. در این تحلیل، رابطه مدیران با شرکت رابطه وکیل و موکل نیست، بلکه رابطه جزء و کل است؛ یعنی هیئت‌مدیره در چهارچوب اختیارات قانونی خود، اراده خود شرکت را بیان می‌کند. نتیجه مهم این نظریه آن است که اعمال هیئت‌مدیره در حدود صلاحیت قانونی و اساسنامه‌ای، مستقیماً به شرکت منتسب می‌شود، نه این‌که ابتدا عمل مدیر تلقی شود و سپس از طریق قواعد نمایندگی به شرکت انتقال یابد. این تحلیل با شخصیت حقوقی مستقل شرکت سهامی، تفکیک مالکیت از مدیریت و ساختار ارکانی آن سازگارتر است (Eskini, 2019). در حقوق ایران، مقررات لایحه اصلاحی قانون تجارت به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که نظریه رکن را تقویت می‌کنند. ماده ۱۰۷ لایحه، اداره شرکت سهامی را بر عهده هیئت‌مدیره قرار داده و ماده ۱۱۸ نیز اختیارات گسترده‌ای برای مدیران در اداره شرکت پیش‌بینی کرده است. این اختیارات، صرفاً ناشی از قرارداد میان مدیر و سهامداران نیست، بلکه ریشه در قانون دارد. به همین دلیل، حتی مجمع عمومی نیز نمی‌تواند اختیارات قانونی هیئت‌مدیره را به‌گونه‌ای محدود کند که اداره شرکت مختل شود یا ساختار قانونی شرکت سهامی از میان برود. از سوی دیگر، ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی مقرر می‌دارد که مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که از طرف هیئت‌مدیره به او تفویض شده، نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضا دارد

(Demirchili et al., 2018). در حقوق عراق نیز تحلیل رابطه هیئت‌مدیره با شرکت، با وجود تأکید اولیه قانون بر جنبه قراردادی تشکیل شرکت، در نهایت به نظریه رکن نزدیک می‌شود. قانون شرکت‌های عراق، پس از شناسایی شرکت به عنوان شخص حقوقی، برای اداره آن ارکان مشخصی پیش‌بینی می‌کند و مجلس اداره را مسئول اداره امور شرکت می‌داند. بنابراین، اعضای هیئت‌مدیره را نمی‌توان صرفاً وکیل سهامداران دانست؛ زیرا آنان در مقام اداره شرکت، مکلف به رعایت منافع شرکت به عنوان یک شخص حقوقی مستقل هستند. همین امر موجب می‌شود که مسئولیت آنان نیز صرفاً بر پایه قواعد وکالت تحلیل نشود، بلکه بر مبنای تکالیف قانونی، رعایت مصلحت شرکت و معیار مراقبت متعارف سنجیده شود (Jasim, 2017). رابطه هیئت‌مدیره با سهامداران نیز باید از همین منظر تحلیل شود. مدیران توسط سهامداران یا مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، اما پس از انتخاب، وکیل شخصی سهامداران نیستند. آنان مکلف‌اند مصلحت شرکت را به عنوان یک واحد اقتصادی مستقل رعایت کنند، نه منافع فردی یا مقطعی برخی سهامداران را. به همین دلیل، اگر تصمیم هیئت‌مدیره به سود شرکت و مطابق قانون باشد، صرف زیان دیدن برخی سهامداران نمی‌تواند به تنهایی موجب مسئولیت مدیران شود؛ مگر آن‌که تقصیر، سوءاستفاده از اختیار، نقض قانون یا ورود زیان مستقیم به سهامدار اثبات گردد. در نتیجه، رابطه مدیران با سهامداران رابطه‌ای غیرمستقیم، سازمانی و مبتنی بر ساختار شرکت است، نه رابطه‌ای شخصی و وکالتی (Katouzian, 2015).

مبانی مسئولیت مدیران در حقوق شرکت‌ها

مسئولیت مدیران شرکت سهامی از مهم‌ترین آثار جایگاه ارکانی آنان است. هر اندازه قانون برای هیئت‌مدیره اختیارات گسترده‌تری در اداره شرکت قائل شود، ضرورت پاسخ‌گویی این نهاد نیز افزایش می‌یابد. مدیران شرکت سهامی، به دلیل دسترسی به دارایی، اطلاعات، تصمیمات و فرصت‌های تجاری شرکت، در موقعیتی

قرار دارند که می‌توانند با تصمیم‌های درست، موجب رشد و سودآوری شرکت شوند و با تصمیم‌های نادرست، متقلبانه یا سهل‌انگارانه، زیان‌های جدی به شرکت، سهامداران، بستانکاران و اشخاص ثالث وارد کنند. به همین دلیل، حقوق شرکت‌ها می‌کوشد میان دو ضرورت تعادل برقرار کند: از یک سو، اعطای آزادی تصمیم‌گیری به مدیران برای اداره کارآمد شرکت؛ و از سوی دیگر، ایجاد ضمانت‌اجرا برای جلوگیری از سوءاستفاده، تقصیر و نقض تکالیف قانونی. در حقوق ایران، مهم‌ترین مبنای قانونی مسئولیت مدیران در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت پیش‌بینی شده است. ماده ۱۴۲ مقرر می‌دارد که مدیران و مدیرعامل شرکت در برابر شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی، اساسنامه شرکت، مصوبات مجمع عمومی و نیز نسبت به هرگونه خطا در انجام وظایف خود، حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً مسئول‌اند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد کرد. این ماده نشان می‌دهد که مسئولیت مدیران در حقوق ایران ماهیتی چندگانه دارد؛ زیرا هم شامل تخلف از قانون و اساسنامه است، هم تخلف از مصوبات مجمع عمومی را در بر می‌گیرد و هم خطا در انجام وظایف مدیریتی را مبنای مسئولیت قرار می‌دهد. بنابراین، مسئولیت مدیران را نمی‌توان صرفاً قراردادی یا صرفاً قهری دانست، بلکه باید آن را مسئولیتی قانونی - مدنی دانست که بر پایه تقصیر، نقض تکالیف و ورود زیان استوار است (Demirchili et al., 2018). ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی نیز وضعیت خاصی را پیش‌بینی کرده است که در آن، اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت دارد به تقاضای هر ذی‌نفع، هر یک از مدیران یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به پرداخت آن قسمت از دیونی که وصول آن از دارایی شرکت ممکن

نیست محکوم کند. اهمیت این ماده در آن است که مسئولیت مدیران را از سطح رابطه داخلی شرکت فراتر می‌برد و به حمایت از بستانکاران و اشخاص ذی‌نفع پیوند می‌زند. همچنین، این ماده نشان می‌دهد که در موارد خاص، مسئولیت مدیران می‌تواند جنبه تضامنی پیدا کند؛ البته به شرط آن‌که رابطه سببیت میان تخلف مدیر و وضعیت زیان‌بار شرکت احراز شود (Demirchili et al., 2018).

در تحلیل دکتین حقوقی ایران، مسئولیت مدیران شرکت سهامی غالباً بر مبنای تقصیر تفسیر می‌شود. تقصیر در اینجا می‌تواند به شکل نقض قانون، تخلف از اساسنامه، بی‌اعتنایی به مصوبات مجمع عمومی، سوءمدیریت، اهمال در مراقبت از دارایی شرکت، انجام معامله زیان‌بار بدون رعایت مصلحت شرکت یا سوءاستفاده از اختیارات مدیریتی ظاهر شود. معیار سنجش تقصیر مدیران نیز معیار شخص عادی نیست، بلکه باید رفتار آنان با معیار مدیر متعارف، آگاه و محتاط در همان شرایط سنجیده شود. بنابراین، اگر مدیری تصمیمی بگیرد که در زمان اتخاذ تصمیم، با اطلاعات موجود و شرایط بازار، تصمیمی متعارف و معقول محسوب شود، صرف زیان‌بار شدن نتیجه آن نباید موجب مسئولیت وی گردد؛ اما اگر تصمیم او ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، نقض قانون یا ترجیح منافع شخصی بر مصلحت شرکت باشد، مسئولیت مدنی او قابل طرح خواهد بود (Eskini, 2019). در حقوق عراق، مبنای مسئولیت هیئت‌مدیره با صراحت و تفصیل حقوق ایران بیان نشده است، اما از مجموعه مقررات قانون شرکت‌ها و قواعد عمومی قانون مدنی عراق می‌توان مبنای مسئولیت مدیران را استخراج کرد. ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌های عراق مقرر می‌کند که رئیس و اعضای هیئت‌مدیره باید در انجام وظایف خود، مراقبت و توجهی را به کار گیرند که شخص متعارف در اداره امور خود به کار می‌برد. این معیار، مبنای مهمی برای سنجش تقصیر مدیران در حقوق عراق است و نشان می‌دهد که قانون‌گذار عراقی از معیار «مراقبت

متعارف» برای ارزیابی رفتار مدیران استفاده کرده است. بنابراین، اگر عضو هیئت‌مدیره در اداره شرکت از سطح مراقبتی که از یک مدیر متعارف انتظار می‌رود پایین‌تر عمل کند و از این رفتار زیانی به شرکت، سهامداران یا اشخاص ثالث وارد شود، مسئولیت او قابل طرح خواهد بود (Al-Bayati, 2011). از آنجا که قانون شرکت‌های عراق در زمینه مسئولیت مدنی مدیران، مقرراتی به تفصیل مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران ندارد، در بسیاری از موارد باید به قواعد عمومی قانون مدنی عراق مراجعه کرد. قانون مدنی عراق در مبحث فعل زیان‌بار، اصل مسئولیت ناشی از تقصیر و ورود خسارت را پذیرفته است و هرکس را که با فعل خود به دیگری زیان وارد کند، مکلف به جبران آن می‌داند. بر همین اساس، مسئولیت مدیران در برابر اشخاص ثالث غالباً ماهیت قهری دارد؛ زیرا میان مدیران و اشخاص ثالث رابطه قراردادی مستقیمی وجود ندارد. اما در رابطه میان مدیر و شرکت، مسئولیت می‌تواند جنبه قانونی، قراردادی یا مختلط داشته باشد؛ زیرا مدیر از یک سو با پذیرش سمت مدیریت، تعهداتی در برابر شرکت می‌پذیرد و از سوی دیگر، حدود اصلی وظایف او را قانون و اساسنامه تعیین می‌کنند (Al-Ziyadi, 2018; Ouladi, 2008). در هر دو نظام حقوقی، یکی از مسائل مهم، تفکیک مسئولیت مدیران در برابر شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث است. مسئولیت در برابر شرکت زمانی مطرح می‌شود که مدیران با نقض تکالیف قانونی یا اساسنامه‌ای، به دارایی یا منافع شرکت زیان وارد کنند. مسئولیت در برابر سهامداران زمانی قابل طرح است که رفتار مدیران موجب ورود زیان مستقیم به حقوق سهامداران شود، نه صرفاً کاهش ارزش سهام در نتیجه زیان شرکت. مسئولیت در برابر اشخاص ثالث نیز زمانی مطرح می‌شود که مدیران خارج از حدود اختیارات، برخلاف قانون یا با ارتکاب تقصیر شخصی، سبب ورود زیان به اشخاصی شوند که با شرکت رابطه معاملاتی یا حقوقی داشته‌اند. این تفکیک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا هر زیانی

که به شرکت وارد می‌شود، به‌طور غیرمستقیم سهامداران را نیز متأثر می‌سازد، اما چنین زبانی همیشه به معنای حق مستقیم سهامدار برای طرح دعوا علیه مدیران نیست (Katouzian, 2015). مسئله دیگر در مبانی مسئولیت مدیران، امکان یا عدم امکان درج شرط عدم مسئولیت است. در حقوق ایران، شرطی که به موجب آن مدیران از پیش از مسئولیت ناشی از تقصیر، تخلف از قانون یا نقض اساسنامه معاف شوند، اصولاً قابل پذیرش نیست؛ زیرا چنین شرطی با نظم عمومی حقوق شرکت‌ها، قواعد آمره مربوط به اداره شرکت و ماهیت امانی سمت مدیریت تعارض دارد. مدیران شرکت سهامی در اداره دارایی شخص حقوقی، در موقعیتی امانی قرار دارند و نمی‌توانند با استناد به توافق قبلی، خود را از آثار تقصیر یا تخلف قانونی معاف کنند. به‌ویژه در مواردی که تقصیر مدیران موجب ورود زیان به شرکت یا اشخاص ثالث شود، شرط عدم مسئولیت نمی‌تواند مانع مطالبه خسارت گردد. این تحلیل با هدف حمایتی مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز سازگار است؛ زیرا این مواد برای تضمین پاسخ‌گویی مدیران و حمایت از شرکت و اشخاص ذی‌نفع وضع شده‌اند (Demirchili et al., 2018; Katouzian, 2015). در حقوق عراق نیز شرط عدم مسئولیت مدیران در برابر تقصیر عمدی، تقصیر سنگین یا نقض تکالیف قانونی، اصولاً پذیرفتنی نیست. مطابق قواعد عمومی قانون مدنی عراق، توافق بر معافیت از مسئولیت در مواردی که رفتار زیان‌بار ناشی از تقلب، عمد یا خطای سنگین باشد، باطل یا دست‌کم غیرقابل استناد است. از آنجا که مسئولیت مدیران شرکت در بسیاری از موارد جنبه قانونی و قهری دارد، نمی‌توان با شرط قراردادی، آثار قواعد آمره مسئولیت مدنی را از میان برد. بنابراین، همانند حقوق ایران، در حقوق عراق نیز مدیران نمی‌توانند با درج شرط در اساسنامه یا توافقات داخلی، خود را از مسئولیت ناشی از نقض تکالیف قانونی، سوءاستفاده از اختیار یا اهمال شدید در اداره شرکت معاف کنند (Al-Bayati,

2018; Al-Ziyadi, 2011). برآیند بحث آن است که مبنای مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و عراق، صرفاً بر یک نظریه واحد استوار نیست. در حقوق ایران، مسئولیت مدیران بیشتر چهره‌ای قانونی - مدنی دارد و مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مهم‌ترین مبنای آن به شمار می‌روند. در حقوق عراق، به دلیل اجمال قانون شرکت‌ها، قواعد عمومی مسئولیت مدنی نقش پررنگ‌تری در تحلیل مسئولیت مدیران ایفا می‌کند.

مسئولیت هیئت‌مدیره در حقوق ایران

حقوق تجارت ایران در زمینه شرکت‌های سهامی، تحت تأثیر تحولات قانون‌گذاری سال ۱۳۴۷، تلاش کرده است تا سازوکار نسبتاً مشخصی را برای کنترل اقدامات مدیران و حمایت از حقوق ذی‌نفعان پیش‌بینی کند. در نظام حقوقی ایران، مسئولیت اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های سهامی ترکیبی از قواعد عمومی مسئولیت مدنی و قواعد اختصاصی حقوق شرکت‌ها است. این ویژگی باعث می‌شود که تحلیل مسئولیت مدیران در حقوق ایران نیازمند دقت نظر ویژه‌ای باشد، چرا که اعمال قواعد عمومی بر روابط درون‌شرکتی همواره با چالش‌های نظری و عملی همراه بوده است. هدف از این بخش، ترسیم چارچوب کلی مسئولیت هیئت‌مدیره در نظام حقوقی ایران و تبیین بسترهای قانونی حاکم بر آن است (Ouladi, 2008). بررسی مسئولیت مدیران در حقوق ایران نباید به‌طور مستقیم به شمارش تک‌تک مواد قانونی محدود شود، بلکه باید فلسفه و جهت‌گیری قانون‌گذار ایرانی را در قبال اقدامات مدیران روشن سازد. قانون‌گذار ایران از یک سو مایل به حفظ آزادی عمل مدیران برای اتخاذ تصمیمات شجاعانه تجاری است و از سوی دیگر، درصدد است تا از دارایی‌های شرکت و حقوق سهامداران اقلیت در برابر تصمیمات انحرافی یا سهل‌انگارانه حمایت کند. این تقابل منافع، پویایی خاصی به بحث مسئولیت در حقوق ایران بخشیده است که بررسی ابعاد مختلف آن به درک

در رعایت مراقبت‌های معمول حرفه‌ای موجب مسئولیت است و نه هر زیان ناشی از نوسانات تجاری که بخشی از ریسک معمول مدیریت به شمار می‌رود (Eskini, 2019). تحقق این مسئولیت، منوط به احراز سه رکن تخلف از تکالیف، ورود ضرر به شرکت، سهامداران یا اشخاص ثالث و وجود رابطه سببیت میان رفتار مدیر و زیان وارده است (Erfani, 2010). از منظر دگرترین حقوقی، مسئولیت مدیران ماهیتی مرکب دارد، زیرا اگرچه پذیرش سمت مدیریت ناشی از یک توافق است، اما حدود و ثغور این مسئولیت و تکالیف مدیران توسط قانون تعیین می‌شود که مؤید غلبه جنبه‌های قانونی بر ابعاد قراردادی در این رابطه است (Ouladi, 2008).

مسئولیت در برابر شرکت و سهامداران

با تکیه بر نظریه رکن در حقوق شرکت‌ها، ماهیت رابطه هیئت‌مدیره با شرکت به گونه‌ای است که مدیران را نباید وکلای محض سهامداران دانست، بلکه آنان رکن تصمیم‌گیرنده شخصیت حقوقی شرکت هستند و از همین رو، مسئولیت آنان در برابر شرکت، مسئولیتی اصلی و محوری محسوب می‌شود (Ouladi, 2008). در این چارچوب، هرگونه زیان وارده به دارایی شرکت ناشی از تصمیمات هیئت‌مدیره باشد، قابل مطالبه است و ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی نیز صریحاً مدیران را در برابر شرکت پاسخگو می‌داند (Demirchili et al., 2018). در مقابل، مسئولیت در برابر سهامداران به دلیل تفکیک شخصیت شرکت از سهامدار، تنها در صورتی مصداق می‌یابد که زیان مستقیماً به حق فردی سهامدار وارد شده باشد، نه زمانی که دارایی شرکت کاهش یافته است؛ چرا که کاهش دارایی شرکت، زبانی غیرمستقیم برای سهامدار تلقی می‌شود و باید از طریق طرح دعوا از سوی شرکت پیگیری شود (Katouzian, 2015). با این حال، اگر مدیران با پنهان‌کاری یا ارائه اطلاعات غلط، حقی از سهامدار (مانند حق تقدم در خرید سهام) را تضییع کنند، سهامدار حق خواهد داشت به‌طور مستقیم

رویه قضایی و تفسیر صحیح قوانین کمک شایانی می‌کند. برای واکاوی دقیق این چارچوب، مطالب این بخش به چهار زیرشاخه اصلی تقسیم شده است که هر کدام جنبه‌ای از این مسئولیت را پوشش می‌دهند. در زیرشاخه نخست، مبانی نظری و شرایط عام و خاص تحقق مسئولیت هیئت‌مدیره در حقوق ایران بررسی می‌شود تا ارکان سازنده این مسئولیت مشخص گردند. در زیرشاخه دوم، مسئولیت در برابر خود شرکت به‌عنوان شخص حقوقی مستقل و نیز در برابر سهامداران به‌عنوان مالکان مشاع دارایی‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. زیرشاخه سوم به بررسی تعهدات و مسئولیت مدیران در مواجهه با اشخاص ثالث که خارج از ساختار شرکت قرار دارند اختصاص یافته است. در نهایت، زیرشاخه چهارم به تحلیل ماهیت مسئولیت تضامنی و اعتبار یا عدم اعتبار شروط تحدیدکننده مسئولیت در بستر حقوق ایران می‌پردازد تا مشخص شود تا چه حد می‌توان از طریق قرارداد، مسئولیت مدیران را تعدیل کرد.

مبانی و شرایط تحقق مسئولیت

مسئولیت هیئت‌مدیره در نظام حقوقی ایران بر پایه پیوندی میان قواعد عام مسئولیت مدنی و مقررات خاص لایحه اصلاحی قانون تجارت استوار است. ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت، به‌عنوان رکن رکن این مسئولیت، تصریح می‌کند که مدیران در برابر شرکت و اشخاص ثالث مسئول «تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع عمومی» هستند (Demirchili et al., 2018). این مقرر، برخلاف قواعد سنتی وکالت، مسئولیت مدیران را از چارچوب‌های صرفاً قراردادی فراتر برده و آن را به مسئولیتی قانونی و مدنی بدل ساخته است که حتی در صورت فقدان رابطه مستقیم قراردادی میان زیان‌دیده و مدیر نیز قابلیت استناد دارد (Katouzian, 2015). در تبیین دقیق این مسئولیت، باید توجه داشت که معیار سنجش رفتار مدیران، «مدیر متعارف و آگاه» است؛ بدین معنا که تنها خطای فاحش یا اهمال

تقصیر سنگین و تخلف از قانون را ندارد و هرگونه شرطی که مدیر را پیشاپیش از مسئولیت در برابر این موارد معاف کند، باطل و بی‌اثر است، مگر آن‌که صرفاً ناظر بر تقصیرات جزئی و در شرایطی باشد که خللی به حقوق بستانکاران وارد نشود (Ghasemi, 2016). این تفکیک میان تقصیر ساده (که امکان محدودسازی آن در اسناد داخلی شرکت تا حدودی متصور است) و تقصیر سنگین یا عمد، مرز باریک اما تعیین‌کننده‌ای است که حقوق ایران میان مسئولیت‌های قابل معافیت و مسئولیت‌های مطلق قائل شده است (Katouzian, 2015).

مسئولیت هیئت‌مدیره در حقوق عراق

نظام حقوقی عراق به‌عنوان یکی از نظام‌های حقوقی منطقه که تحت تأثیر سیستم حقوقی نوشته و همچنین تحولات قانونی خاص خود قرار دارد، قواعد مشخصی را برای اداره شرکت‌های تجاری و مسئولیت هیئت‌مدیره وضع کرده است. بررسی مسئولیت مدیران در حقوق عراق، به دلیل تفاوت‌های ساختاری در تعریف مبانی مسئولیت و همچنین تفاوت در نحوه توزیع اختیارات میان ارکان شرکت، اهمیت پژوهشی فراوانی دارد. قانون شرکت‌های عراق و مقررات مرتبط با آن در قانون مدنی این کشور، بستر اصلی تحلیل مسئولیت در این بخش را تشکیل می‌دهند. این بخش به‌عنوان مقدمه، به تبیین رویکرد کلی مقنن عراقی در مواجهه با خطاهای مدیریتی می‌پردازد. در حقوق عراق، مسئولیت هیئت‌مدیره در یک بستر قانونی و بعضاً قهری تعریف می‌شود که تفاوت‌های ظریفی با سیستم‌های مبتنی بر مسئولیت قراردادی صرف دارد. قانون‌گذار عراقی تلاش کرده است تا با وضع تکالیف مشخص قانونی برای مدیران، ضمانت‌اجراهای سختی را برای نقض این تکالیف در نظر بگیرد تا از این طریق، اعتماد عمومی به بازار سرمایه و شرکت‌های سهامی را افزایش دهد. درک این رویکرد ساختاری، پیش‌نیاز بررسی دقیق بندهای تفصیلی مربوط

علیه مدیر اقدام کند، زیرا در این موارد زیان وارده از نوع مستقیم و شخصی است (Habibzadeh, 2016).

مسئولیت در برابر اشخاص ثالث

در مواجهه با اشخاص ثالث، مسئولیت هیئت‌مدیره ماهیتی عمدتاً غیرقراردادی دارد. اشخاص ثالث زمانی می‌توانند علیه مدیر طرح دعوا کنند که ثابت کنند مدیر از حدود اختیارات قانونی خارج شده، یا مرتکب تقلب و تدلیس گشته و یا به‌واسطه تقصیر فاحش، زبانی مستقیم به آنان وارد آورده است (Erfani, 2010). نکته ظریف در این میان، تحلیل نظریه رکن است؛ زیرا رکن شرکت تنها زمانی اراده شخص حقوقی را متجلی می‌سازد که در چارچوب صلاحیت‌های قانونی فعالیت کند و هرگونه عدول از این صلاحیت‌ها، مدیر را در جایگاه شخص حقیقی مسئول در برابر بستانکاران و ثالث قرار می‌دهد (Eskini, 2019). رویه قضایی ایران نیز نشان می‌دهد که چنانچه مدیر در انعقاد قرارداد با ثالث، سوءنیت یا تقصیر سنگین داشته باشد، مسئولیت او قابل انتساب است، حتی اگر قرارداد در ظاهر به نام شرکت منعقد شده باشد، چرا که سوءاستفاده از عنوان شرکت برای تحمیل زیان به ثالث، مانع از حمایت قانونی از مدیر می‌شود (Habibzadeh, 2016).

مسئولیت تضامنی و شرط عدم مسئولیت

در نظام حقوقی ایران، اصل بر عدم تضامنی‌بودن مسئولیت مدیران است، مگر آن‌که قانون به‌صراحت خلاف آن را مقرر کرده باشد. ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی، یکی از مهم‌ترین استثنائات این اصل است که به بستانکاران اجازه می‌دهد در صورت عدم کفایت دارایی شرکت یا ورشکستگی آن، به مدیران متخلف به‌صورت تضامنی مراجعه کنند (Demirchili et al., 2018). دکترین حقوقی، این حکم را یکی از ابزارهای حمایتی مهم برای تضمین سلامت معاملات تجاری می‌داند (Ouladi, 2008). در خصوص امکان گنجاندن شرط عدم مسئولیت، باید اذعان داشت که نظم عمومی حقوق شرکت‌ها تاب پذیرش معافیت مدیر از مسئولیت ناشی از

به حقوق عراق است و به محقق کمک می‌کند تا ریشه‌های تصمیمات قضایی در این نظام حقوقی را بهتر تحلیل کند.

جهت بررسی همه‌جانبه این موضوع در حقوق عراق، مباحث این بخش در چهار محور تنظیم شده است. نخست، مبانی و شرایط اساسی برای تحقق مسئولیت اعضای هیئت‌مدیره مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا مشخص شود چه نوع رفتاری از سوی مدیران می‌تواند مبنای دعوای مسئولیت باشد. در محور دوم، مسئولیت مدیران در قبال شرکت و سهامداران بررسی می‌شود که روابط داخلی شرکت را پوشش می‌دهد. محور سوم به تحلیل رابطه مدیران با اشخاص خارج از شرکت و مسئولیت آن‌ها در قبال ثالث اختصاص دارد. در نهایت، در محور چهارم، موضوع مسئولیت تضامنی میان مدیران و وضعیت حقوقی شروط عدم مسئولیت یا تحدید مسئولیت در قوانین عراق بررسی می‌شود تا تفاوت‌های این نظام با حقوق ایران در پذیرش اراده طرفین نمایان گردد.

مبانی و شرایط تحقق مسئولیت

تحلیل مبانی مسئولیت هیئت‌مدیره در حقوق عراق نشان می‌دهد که قانون‌گذار این کشور، برخلاف نظام‌های قراردادی محور، تمایل شدیدی به پذیرش نظریه مسئولیت قانونی و قهری دارد و رابطه مدیران با شخص حقوقی را بر پایه تکالیف امانی و الزامات قانونی استوار ساخته است (Al-Bayati, 2011). برای تحقق این مسئولیت، اثبات سه رکن اساسی، یعنی خطای مدیریتی یا نقض قوانین جاری، ورود ضرر به ارکان شرکت یا ذی‌نفعان و وجود رابطه سببیت مستقیم میان تقصیر مدیر و خسارت حادث‌شده، الزامی است و در دکتین حقوقی عراق، مبنای ارزیابی این خطا بر اساس معیار «مدیر هوشیار و متعارف» در شرایط مشابه سنجیده می‌شود (Katouzian, 2015; Ouladi, 2008). از آنجا که اراده شخص حقوقی در حقوق عراق از مجرای تصمیمات هیئت‌مدیره بروز می‌یابد، هرگونه تخطی از اساسنامه، مصوبات مجامع عمومی یا نقض قوانین آمره شرکت‌ها، مستقیماً مسئولیت

شخصی و قانونی مدیر متخلف را فعال می‌سازد و او نمی‌تواند برای فرار از پاسخ‌گویی به ماهیت جمعی تصمیمات استناد کند (Erfani, 2010; Eskini, 2019). این مبنای قانونی به ساختار اداره شرکت‌ها کمک می‌کند تا با صراحت بیشتری مرز میان ریسک‌های متعارف تجاری و خطاهای ناشی از بی‌مبالاتی یا سوءنیت مدیران را ترسیم کنند و تضمینی برای ثبات معاملات تجاری در بازار عراق ایجاد نمایند (Ghasemi, 2016; Habibzadeh, 2016).

مسئولیت در برابر شرکت و سهامداران

مسئولیت اعضای هیئت‌مدیره در برابر خود شرکت به‌عنوان شخص حقوقی مستقل، تجلی بارز نگاه امانی به سمت مدیریت در حقوق عراق است؛ به‌طوری‌که هرگونه آسیب به دارایی‌ها، سرمایه‌ها یا فرصت‌های تجاری شرکت که ناشی از خطای مدیران باشد، مستقیماً حق دعوا را برای شخص حقوقی جهت جبران خسارات وارده ایجاد می‌کند (Al-Bayati, 2011; Eskini, 2019). در مقابل، مسئولیت در برابر سهامداران فرآیندی پیچیده‌تر دارد و تنها زمانی سهامدار به‌صورت انفرادی حق اقامه دعوا علیه مدیر را خواهد داشت که خسارت واردشده به‌طور مستقیم به حقوق شخصی و انفرادی او لطمه زده باشد؛ مواردی مانند تضییع حق رأی، عدم پرداخت سود سهام مصوب، یا ارائه گزارش‌های مالی نادرست و فریبنده که تصمیمات مالی سهامدار را تحت تأثیر قرار داده باشد (Ghasemi, 2016; Ouladi, 2008). در غیر این صورت، یعنی در شرایطی که خسارت به‌صورت عمومی به اموال شرکت وارد شده و صرفاً ارزش سهام را کاهش داده باشد، دعوا جنبه جمعی داشته و باید به نام شرکت اقامه شود، چرا که در حقوق شرکت‌های عراق، صیانت از مصلحت شخص حقوقی بر منافع انفرادی شرکا مقدم داشته شده است تا از تشتت آرا و طرح دعاوی متعدد و بی‌مورد از سوی تک‌تک سهامداران ممانعت به عمل آید (Habibzadeh, 2016; Katouzian, 2015).

مسئولیت در برابر اشخاص ثالث

پاسخ‌گویی مدیران در برابر اشخاص ثالث در حقوق عراق اساساً بر قواعد عام مسئولیت مدنی قهری و الزامات ناشی از ورود ضرر ناروا استوار است، زیرا میان اشخاص ثالث و مدیران هیچ‌گونه پیوند قراردادی مستقیمی وجود ندارد تا بتوان مسئولیت را بر آن پایه تحلیل کرد (Erfani, 2010). اشخاص ثالث، از جمله بستانکاران شرکت، زمانی می‌توانند مستقیماً به اعضای هیئت‌مدیره مراجعه کنند که ثابت نمایند مدیران با سوءاستفاده از اختیارات خود، تقلب، تدلیس یا ارتکاب خطاهای فاحش خارج از موضوع شرکت، زمینه‌ساز تضییع حقوق و مطالبات آنان شده‌اند (Katouzian, 2015; Ouladi, 2008). رویه قضایی و اصول حاکم بر شرکت‌ها در عراق نشان می‌دهند که اگر مدیری بدون رعایت تشریفات قانونی، تعهداتی فراتر از توان مالی واقعی شرکت ایجاد کند یا با پنهان کردن وضعیت ورشکستگی شرکت به معاملات ادامه دهد، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده به ثالث زیان‌دیده خواهد بود و استناد به شخصیت حقوقی مجزای شرکت مانع از توجه مسئولیت به او نمی‌شود (Ghasemi, 2016; Habibzadeh, 2016).

مسئولیت تضامنی و شرط عدم مسئولیت

در حقوق عراق، هرگاه خسارت وارد شده محصول تصمیم مشترک و خطای جمعی اعضای هیئت‌مدیره باشد، منطبق حمایت از زیان‌دیدگان ایجاب می‌کند که مسئولیت تضامنی میان آنان حاکم شود تا مانع از تقسیم صوری خطا و فرار از جبران خسارت گردد (Eskini, 2019; Ouladi, 2008). از سوی دیگر، موضع حقوق عراق در قبال درج شرط عدم مسئولیت بسیار سخت‌گیرانه و قاطع است؛ به‌طوری‌که توافق بر معافیت پیشاپیش مدیران از مسئولیت در قراردادها یا اساسنامه، در برابر شرکت و سهامداران کاملاً باطل و بی‌اثر تلقی می‌شود، زیرا مبنای مسئولیت در این کشور قانونی و قهری بوده و با نظم عمومی اقتصادی و ماهیت

امانی اداره دارایی‌های غیر قابل جمع است. این بطلان مطلق شروط عدم مسئولیت تضمین می‌کند که اعضای هیئت‌مدیره همواره نسبت به عواقب تصمیمات خود متعهد باقی بمانند و نتوانند با بهره‌گیری از بندهای قراردادی، اصول بنیادین حاکمیت شرکتی و لزوم مراقبت و وفاداری به مصلحت شرکت را بی‌اثر سازند (Ghasemi, 2016; Habibzadeh, 2016).

مطالعه تطبیقی و ارزیابی نهایی

مطالعه تطبیقی میان دو نظام حقوقی ایران و عراق در خصوص مسئولیت هیئت‌مدیره، فرصت مناسبی را برای تحلیل انتقادی قواعد هر دو کشور و شناسایی خلأهای قانونی و راه‌حل‌های بهینه فراهم می‌آورد. با وجود نزدیکی جغرافیایی و روابط اقتصادی گسترده میان دو کشور، نظام‌های حقوقی آن‌ها در تعریف مبانی مسئولیت، نحوه انتساب مسئولیت به اعضای هیئت‌مدیره و میزان پذیرش آزادی اراده در تعدیل مسئولیت، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. این بخش به‌عنوان چارچوب تحلیلی پایانی، به معرفی اهداف و روش‌شناسی این مقایسه تطبیقی می‌پردازد. هدف از ارزیابی تطبیقی در این بخش، صرفاً کنار هم قرار دادن قوانین دو کشور نیست، بلکه هدف اصلی تحلیل چرایی اتخاذ رویکردهای متفاوت و سنجش میزان موفقیت هر نظام حقوقی در دستیابی به اهداف حقوق شرکت‌ها است. حقوق شرکت‌ها همواره در تلاش است تا میان کارآمدی مدیریت و حمایت از ذی‌نفعان تعادل ایجاد کند. از این رو، ارزیابی نهایی مشخص خواهد کرد که کدام‌یک از این دو کشور توانسته‌اند در عمل، نظام متوازن‌تر و کارآمدتری را برای مسئولیت مدیران طراحی کنند که هم سرمایه‌گذاران را جذب کند و هم از سوءاستفاده‌های مدیریتی ممانعت به عمل آورد.

برای ارائه یک تحلیل منسجم و کاربردی، این بخش تطبیقی در چهار زیرشاخه ساختاریافته ارائه می‌شود. ابتدا در زیرشاخه نخست، وجوه اشتراک و افتراق بنیادین میان دو نظام حقوقی در

که در حقوق عراق، قانون‌گذار به این موضوع به‌طور صریح نپرداخته و نظام حقوقی آن کشور در این زمینه با ابهام مواجه است (Ouladi, 2008). همچنین، در مورد شرط عدم مسئولیت (معافیت مدیران از مسئولیت)، حقوق ایران تفاوتی میان مسئولیت در برابر شرکت و سهامداران قائل است؛ به این معنا که شرط عدم مسئولیت در برابر شرکت غالباً بی‌اعتبار و در برابر سهامداران، بسته به شرایط، ممکن است معتبر باشد (Ghasemi, 2016). اما در حقوق عراق، شرط عدم مسئولیت در برابر شرکت و سهامداران پذیرفته نشده و مدیران نمی‌توانند با چنین شرطی از مسئولیت خود شانه خالی کنند (Al-Bayati, 2011; Ouladi, 2008).

ارزیابی حمایت از شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث

در هر دو نظام حقوقی ایران و عراق، هدف نهایی از وضع قواعد مربوط به مسئولیت هیئت‌مدیره، حمایت از منافع ذی‌نفعان شرکت است، اما در میزان و چگونگی این حمایت تفاوت‌هایی وجود دارد. در هر دو نظام، مدیران در قبال حفظ منافع شرکت و جلوگیری از ورود زیان به آن مسئول شناخته می‌شوند. در ایران، این مسئولیت بر پایه مواد قانون تجارت و در عراق بر اساس تکالیف قانونی مدیران طبق ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌ها استوار است. با این حال، همان‌طور که اشاره شد، نظام حقوقی عراق حمایت قوی‌تری در برابر استفاده از شرط عدم مسئولیت اعمال می‌کند، در حالی که در ایران، اعتبار این شرط در برابر شرکت محدود است (Eskini, 2019; Ouladi, 2008). در هر دو کشور، مدیران در برابر سهامداران نیز مسئولیت دارند، به‌ویژه در مواردی که اقدامات آنان مستقیماً به سهامداران زیان وارد کند. در حقوق ایران، اگرچه رابطه مستقیمی میان مدیران و سهامداران وجود ندارد، اما مسئولیت مدنی یا قهری بر پایه تقصیر مدیر قابل طرح است و شرط عدم مسئولیت در برخی موارد می‌تواند اعتبار داشته باشد (Erfani, 2010). در حقوق عراق، شرط عدم مسئولیت به هیچ‌وجه در برابر سهامداران پذیرفته نیست و مدیران مکلف به

خصوص مسئولیت مدیران دسته‌بندی و مقایسه می‌شود. در زیرشاخه دوم، کارآمدی هر دو نظام در حمایت از سه گروه کلیدی، یعنی شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زیرشاخه سوم به تحلیل نقاط قوت و ضعف ساختاری قوانین ایران و عراق اختصاص دارد تا کاستی‌های هر سیستم نمایان شود. در نهایت، در زیرشاخه چهارم، پیشنهاد‌های اصلاحی و راهکارهای تقنینی برای بهبود ساختار مسئولیت در هر دو نظام حقوقی ارائه می‌شود تا این پژوهش فراتر از یک توصیف ساده، دارای خروجی کاربردی و اصلاحی باشد.

وجوه اشتراک و افتراق در دو نظام حقوقی

در بررسی تطبیقی مسئولیت هیئت‌مدیره در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، وجوه اشتراک و افتراق قابل توجهی آشکار می‌شود. اصل مشترک در هر دو نظام، پذیرش این امر است که اقدامات هیئت‌مدیره می‌تواند به شخص حقوقی، سهامداران و یا اشخاص ثالث زیان وارد کند و در نتیجه، مسئولیت حقوقی را متوجه مدیران می‌سازد (Eskini, 2019; Ouladi, 2008). با این حال، مبنای این مسئولیت در دو نظام رویکردی متفاوت دارد. در حقوق ایران، مسئولیت مدیران عمده‌تاً بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی و همچنین مواد خاص قانون تجارت (به‌ویژه مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی) تحلیل می‌شود که بر پایه تقصیر و ورود ضرر استوار است (Erfani, 2010; Habibzadeh, 2016). اما در حقوق عراق، ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌های ۱۹۹۷، مبنای مسئولیت را بیشتر در چارچوب «قانون» قرار می‌دهد و بر تکلیف مدیران به حفظ منافع شرکت تأکید می‌کند؛ لذا مبنای مسئولیت در عراق بیشتر «قانونی» یا «قهری» (ناشی از نقض وظایف قانونی) تلقی می‌شود تا مدنی و قراردادی (Al-Bayati, 2011; Ouladi, 2008).

تفاوت دیگر در نوع مسئولیت است. در حقوق ایران، قانون‌گذار صراحتاً به امکان طرح مسئولیت انفرادی، اشتراکی و تضامنی علیه مدیران اشاره کرده است (Demirchili et al., 2018). در حالی

مهم‌ترین ضعف حقوق عراق، عدم تفصیل و ابهام است؛ فقدان تصریح قانونی در مورد نوع مسئولیت (تضامنی، انفرادی)، گستره آن، و چگونگی پیگیری دعاوی علیه مدیران (Ouladi, 2008) و همچنین محدودیت حمایت از اشخاص ثالث، زیرا ممکن است مدیران در قبال تعهدات شرکت، مسئولیت شخصی کمتری داشته باشند (Habibzadeh, 2016).

پیشنهادهای اصلاحی

بر اساس یافته‌های تطبیقی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف، پیشنهادهای اصلاحی زیر ارائه می‌شود. برای حقوق عراق، لازم است قانون‌گذار با اصلاح ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌ها یا وضع مقررات جدید، انواع مسئولیت مدیران (مانند انفرادی، اشتراکی، تضامنی) را مشخص نماید (Ouladi, 2008)؛ همچنین باید دامنه دقیق شرط عدم مسئولیت و موارد اعتبار یا بطلان آن در برابر شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث به‌صراحت بیان شود (Al-Bayati, 2011; Ghasemi, 2016). بهتر است سازوکار روشن‌تری برای پیگیری مسئولیت شخصی مدیران در برابر اشخاص ثالث در صورت ارتکاب تقصیر یا تجاوز از حدود اختیارات، در قانون پیش‌بینی گردد (Habibzadeh, 2016). برای حقوق ایران، قانون‌گذار یا رویه قضایی می‌تواند با ارائه تفسیری روشن‌تر، حدود مسئولیت مدیران در برابر هر یک از گروه‌های ذی‌نفع (شرکت، سهامداران، اشخاص ثالث) را دقیق‌تر مشخص نماید تا از ابهامات موجود کاسته شود (Erfani, 2010; Eskini, 2019). همچنین، لازم است نسبت میان اعتبار شرط عدم مسئولیت در برابر شرکت و سهامداران، و همچنین ارتباط آن با قواعد نظم عمومی، به‌شکلی منسجم‌تر و با استناد به مواد قانونی (مانند ماده ۲۷۷ لایحه اصلاحی) تبیین گردد (Demirchili et al., 2018; Katouzian, 2015). در نهایت، با وجود تفاوت‌های ساختاری و مبنایی، هر دو نظام حقوقی

جبران خسارت وارده هستند (Al-Bayati, 2011; Habibzadeh, 2016). این بخش، یکی از نقاط افتراق مهم است. در حقوق ایران، مسئولیت مدیران در برابر اشخاص ثالث معمولاً بر مبنای قواعد عام مسئولیت مدنی (تقصیر و ورود ضرر) و در صورت ورود زیان مستقیم به اشخاص ثالث، قابل پیگیری است (Katouzian, 2015). اما در حقوق عراق، ماده ۱۲۰ به‌صراحت بیان می‌کند که مدیران در قبال تعهدات شرکت مسئولیتی شخصی ندارند، مگر آن‌که از حدود اختیارات خود تجاوز کنند. این بدان معناست که حمایت از اشخاص ثالث در حقوق عراق، در مقایسه با ایران، ممکن است محدودتر باشد (Ghasemi, 2016; Ouladi, 2008).

نقاط قوت و ضعف هر نظام حقوقی

هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و عراق در این حوزه دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند. نقاط قوت حقوق ایران شامل جامعیت و تفصیل مقررات است که در مقایسه با عراق، جزئیات بیشتری را پوشش می‌دهد و انواع مسئولیت (مدنی، قراردادی، تضامنی، انفرادی) را روشن‌تر بیان می‌کند (Demirchili et al., 2018)؛ همچنین، پذیرش نظریه رکن شرکت به‌عنوان مبنای اصلی، چارچوب تحلیلی منسجم‌تری را فراهم می‌آورد (Eskini, 2019). از نقاط ضعف حقوق ایران می‌توان به ابهام در تفکیک دقیق میان مسئولیت مدیران در برابر شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث اشاره کرد (Erfani, 2010) و همچنین ابهام در شرط عدم مسئولیت؛ اعتبار مشروط یا مشروط به نظم عمومی بودن شرط عدم مسئولیت، نیازمند شفاف‌سازی بیشتر است (Ghasemi, 2016). در سوی دیگر، نقاط قوت حقوق عراق شامل صراحت در عدم پذیرش شرط عدم مسئولیت است که حمایت قوی‌تری از منافع شرکت و سهامداران را به همراه دارد (Al-Bayati, 2011)؛ همچنین، تأکید بر تکالیف قانونی مدیران، چارچوبی روشن‌تر برای رعایت اصول اولیه اداره شرکت ارائه می‌دهد (Ouladi, 2008).

ایران و عراق در تلاش‌اند تا با وضع قواعدی برای مسئولیت هیئت‌مدیره، منافع شرکت و سرمایه‌گذاران را تضمین کنند.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی مسئولیت هیئت‌مدیره در حقوق ایران و عراق نشان می‌دهد که هر دو نظام، با وجود تفاوت در مبانی نظری و شیوه تنظیم قواعد، در اصل بر این نکته توافق دارند که هیئت‌مدیره رکن اصلی اداره شرکت سهامی است و تصمیمات آن می‌تواند به‌طور مستقیم بر منافع شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث اثر بگذارد (Eskini, 2019). با این حال، تفاوت بنیادین در نوع و مبانی مسئولیت مدیران مشاهده می‌شود. در حقوق ایران، مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت چارچوبی نسبتاً دقیق و تفصیلی ارائه کرده‌اند که در آن مسئولیت مدیران عمدتاً مدنی است و در مواردی نیز به‌عنوان مسئولیت قراردادی تحلیل می‌شود؛ همچنین قانون‌گذار به‌صراحت امکان تحقق مسئولیت انفرادی، اشتراکی و تضامنی را پیش‌بینی کرده است (Erfani, 2010; Habibzadeh, 2016). در مقابل، حقوق عراق تنها یک ماده صریح - ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌های ۱۹۹۷ - برای مسئولیت مدیران دارد و در آن، نوع مسئولیت (تضامنی، انفرادی یا اشتراکی) مشخص نشده است. همین سکوت موجب شده که دکترین، مبانی مسئولیت مدیران را عمدتاً قانونی و گاهی قهری (تقصیری) بداند (Ouladi, 2008). در خصوص ماهیت رابطه هیئت‌مدیره با شرکت نیز تفاوت‌های مهمی مشاهده می‌شود. در حقوق ایران، با وجود طرح نظریه‌های وکالت و نمایندگی، نظریه «رکن شرکت» دیدگاه پذیرفته‌شده‌تری است؛ زیرا مدیران بخشی از ساختار اراده شخص حقوقی محسوب می‌شوند و نمی‌توان آنان را صرفاً وکیل یا نماینده سهامداران تلقی کرد (Eskini, 2019; Katouzian, 2015). در حقوق عراق، گرچه نظریه‌های قراردادی، وکالتی و قانونی مطرح شده‌اند، اما رویکرد غالب، «نظریه قانونی» است؛ بدین معنا که تکلیف مدیران به رعایت منافع شرکت ناشی از حکم

مستقیم قانون است نه توافق خصوصی (Ouladi, 2008). در حوزه حمایت از شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث، هر دو نظام هدف مشترکی دارند، اما ابزار حقوقی آنان متفاوت است. در حقوق ایران، مسئولیت مدیر در برابر سهامداران غالباً مدنی است و به دلیل نبود رابطه قراردادی مستقیم، بر مبنای قاعده عام مسئولیت قهری تحلیل می‌شود. همچنین شرط عدم مسئولیت در برابر سهامداران، جز در مواردی که مخالف نظم عمومی باشد، ممکن است معتبر شناخته شود؛ اما در برابر شرکت، به‌ویژه با توجه به ماده ۲۷۷ لایحه اصلاحی، این شرط اصولاً بی‌اعتبار دانسته شده است (Ghasemi, 2016). در حقوق عراق، شرط عدم مسئولیت در برابر شرکت و سهامداران پذیرفته نیست و مدیران مکلف‌اند منافع شرکت را همان‌گونه که منافع شخصی خود را حفظ می‌کنند، رعایت نمایند؛ با این حال، مسئولیت شخصی مدیران در برابر اشخاص ثالث تنها در صورتی شناخته می‌شود که از حدود اختیارات خود تجاوز کنند یا مرتکب خطای مستقل شوند (Al-Bayati, 2011; Habibzadeh, 2016). در ارزیابی نقاط قوت و ضعف، حقوق ایران از نظام‌مندترین و تفصیلی‌ترین مقررات برخوردار است و این موضوع پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را افزایش می‌دهد؛ اما در عین حال، تعدد مبانی مسئولیت و امکان جمع میان مسئولیت مدنی و قراردادی، گاهی موجب ابهام در تفکیک مسئولیت مدیران در برابر شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث می‌شود (Erfani, 2010; Eskini, 2019). در مقابل، حقوق عراق از مزیت صراحت در بیان تکلیف مدیران برخوردار است، ولی فقدان تصریح قانونی درباره نوع مسئولیت، گستره مسئولیت تضامنی یا انفرادی، و حدود اعتبار یا بطلان شرط عدم مسئولیت، موجب کاهش انسجام و افزایش اختلاف‌نظرهای تفسیری شده است (Al-Bayati, 2011; Ouladi, 2008).

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار عراق با بازنگری در ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌ها، ضمن تفکیک دقیق مسئولیت مدیران در برابر

با یکدیگر متفاوت‌اند، در هدف مشترک «تضمین اداره صحیح شرکت و حمایت از ذی‌نفعان» هم‌سو هستند، ولی برای رسیدن به این هدف، حقوق ایران نیازمند شفافیت مفهومی بیشتر و حقوق عراق نیازمند تصریح و تفصیل قانونی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The liability of the board of directors in joint-stock companies constitutes one of the central issues of modern company law because the board occupies the principal managerial position through which the legal person acts, concludes transactions, adopts strategic decisions, manages corporate assets, and affects the rights of shareholders, creditors, and third parties. The legal significance of directors' liability becomes especially pronounced in joint-stock companies, where ownership is separated from management and shareholders ordinarily do not participate directly in day-to-day administration. This separation creates both functional efficiency and the risk of managerial abuse, negligence, conflicts of interest, or decisions inconsistent with the company's interests. Accordingly, legal systems seek to reconcile two competing concerns: directors must enjoy sufficient autonomy to make commercial decisions under conditions of uncertainty, while they must also remain accountable when they violate statutory duties, the articles of association, resolutions of the general meeting, or standards of prudent management. Iranian company law reflects this balance by recognizing the board of directors as a central organ of the company rather than merely as a collection of contractual agents, while Iraqi law, although based partly on a contractual conception of

شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث، نوع مسئولیت و وضعیت امکان توافق بر محدود یا منتفی کردن آن را صریحاً تعیین کند. در حقوق ایران نیز اصلاحاتی مانند شفاف‌سازی نسبت میان مسئولیت قراردادی و قهری مدیران، تعیین دقیق حدود اعتبار شرط عدم مسئولیت و هماهنگ‌سازی مواد پراکنده لایحه اصلاحی می‌تواند به انسجام بیشتر نظام مسئولیت مدیران کمک کند (Demirchili, 2015; Ghasemi, 2016; Katouzian, 2015; et al.). در

نهایت، می‌توان گفت که هر دو نظام، هرچند از حیث مبنا و ساختار company formation, similarly moves toward an institutional understanding of corporate administration (Al-Bayati, 2011; Eskini, 2019; Habibzadeh, 2016). From this perspective, the board is not merely an intermediary between shareholders and the outside world, but a structural component through which the company's legal will is formed and expressed. This theoretical characterization has important consequences for the attribution of acts, the scope of managerial powers, and the foundation of civil liability because it determines whether directors' duties arise primarily from agency, contract, statute, or their status as organs of the legal person (Katouzian, 2015; Ouladi, 2008). The present study therefore examines the legal nature of the board of directors and the foundations of its liability in Iranian and Iraqi law through a descriptive-analytical and comparative method, with particular attention to the relationship between the company, shareholders, creditors, and third parties.

A fundamental issue in the analysis concerns the legal nature of the relationship between the board of directors and the company. Traditional agency theory treats directors as agents of the company or shareholders and therefore seeks to explain their authority and liability through the rules of representation and mandate. This approach has some explanatory value because directors are generally selected by shareholders and

administer assets whose ultimate economic benefits accrue to the owners of shares. Nevertheless, agency theory is inadequate as a comprehensive explanation of modern joint-stock companies because the powers of directors do not arise solely from the private will of shareholders. They are established and limited by mandatory company law, the articles of association, and the institutional structure of the corporation. Moreover, directors are required to protect the interests of the company as an independent legal person even where those interests diverge from the immediate preferences of particular shareholders. For these reasons, organ theory offers a more coherent explanation of the board's legal position. Under this theory, the board constitutes an organ of the legal person, and acts undertaken within its lawful authority are directly attributable to the company itself rather than being indirectly transferred through traditional rules of agency (Eskini, 2019; Ouladi, 2008). Iranian law strongly supports this institutional approach because the statutory structure of joint-stock companies entrusts administration to the board and grants directors broad managerial authority, subject to matters expressly reserved for general meetings and to compliance with the company's objects and mandatory legal requirements (Demirchili et al., 2018; Eisaei Tafreshi, 2016). Iraqi law also recognizes the board as the principal administrative organ of the joint-stock company and requires directors to act within statutory, constitutional, and managerial limits established by company law (Al-Bayati, 2011; Jasim, 2017). The comparative analysis therefore demonstrates that, despite doctrinal differences and the stronger contractual language historically associated with company formation in Iraqi law, both systems increasingly treat directors as institutional actors whose authority derives from corporate

status and law rather than from a purely private mandate.

The foundations and conditions of directors' liability in Iranian law are comparatively more explicit and differentiated. The principal statutory framework is based on Articles 142 and 143 of the Legal Bill Amending Certain Parts of the Commercial Code, which establish liability for violations of statutory provisions, the articles of association, resolutions of the general meeting, and fault in the performance of managerial duties. The importance of this framework lies in the fact that it extends directors' accountability beyond purely contractual obligations and creates a legal-civil form of liability capable of operating in favor of the company as well as third parties (Demirchili et al., 2018; Ebrahim, 2015). Liability generally requires the existence of three basic elements: breach of duty or managerial fault, compensable loss, and a causal connection between the wrongful conduct and the damage sustained. In assessing fault, the relevant benchmark should not be that of an ordinary person wholly unfamiliar with commercial management; rather, directors should be measured against the conduct reasonably expected of a prudent and informed manager acting under comparable circumstances (Eskini, 2019; Ghasemi, 2016). This standard is significant because corporate management necessarily involves risk, and an unsuccessful commercial decision should not automatically generate liability merely because it later produces losses. Liability becomes more persuasive where the director has acted negligently, disregarded statutory requirements, abused managerial authority, failed to protect corporate assets, concealed material information, or preferred personal interests over those of the company. Iranian law further distinguishes between liability toward the company, shareholders, and third parties. Damage to corporate assets primarily gives

rise to a claim belonging to the company, whereas a shareholder may normally bring a personal action only where an individual and direct right has been infringed. Third parties may also seek compensation where directors commit an independent fault, exceed their powers, act fraudulently, or otherwise cause direct harm beyond the ordinary consequences of the company's contractual obligations (Habibzadeh, 2016; Katouzian, 2015).

In Iraqi law, directors' liability is governed by a combination of company legislation and the general principles of civil liability, but the statutory framework is less detailed than its Iranian counterpart. The Iraqi approach places particular emphasis on the legal duties of directors and the standard of care required in administering corporate affairs. The board must exercise the degree of care expected from a reasonable and prudent person managing comparable affairs, and failure to satisfy this standard may constitute actionable fault where it causes damage to the company, shareholders, or third parties (Al-Bakr, 2010; Al-Bayati, 2011). Because Iraqi company law does not articulate the different categories of directors' civil liability with the same degree of specificity found in Iranian legislation, general civil-law principles assume greater importance, particularly in cases involving wrongful acts, causation, and compensation. Consequently, directors' liability toward third parties is often characterized as non-contractual because no direct contractual relationship ordinarily exists between the director and the injured third party (Al-Ziyadi, 2018; Khalil, 2008). In the internal relationship between the director and the company, however, liability may be described as legal, contractual, or mixed, since acceptance of managerial office creates obligations while the substance and boundaries of those obligations are largely determined by statute and the company's

governing documents. Iraqi law also supports the proposition that directors must prioritize the interests of the company as an independent legal person rather than the personal interests of individual shareholders. A shareholder's personal claim should therefore be distinguished from a corporate claim: where loss is merely reflective of damage to the company, the proper claimant is ordinarily the company itself, whereas direct interference with an individual shareholder's voting rights, dividend entitlements, or reliance on misleading corporate information may support a personal action (Jasim, 2017; Mohammad Sami, 1999). Compared with Iranian law, however, Iraqi legislation remains less precise regarding individual, joint, and joint-and-several liability and the procedural mechanisms through which injured parties may pursue directors.

A further area of comparison concerns joint and several liability, exemption clauses, and the protection of affected stakeholders. Iranian law expressly contemplates circumstances in which directors may be held individually, jointly, or jointly and severally liable, especially where corporate insolvency or insufficiency of assets results from managerial violations. This approach strengthens creditor protection because it prevents the corporate form from operating as an absolute shield in circumstances where directors' misconduct materially contributes to the inability of the company to satisfy its debts (Deylami, 2011; Khosravi, 2016). At the same time, Iranian doctrine generally treats broad advance exemptions from liability for statutory violations, serious fault, or abuse of authority with skepticism because such clauses may conflict with mandatory rules of company law and the protective purposes underlying directors' duties (Katouzian, 2015; Nekouei, 2014). Iraqi law is similarly resistant to contractual arrangements that purport to eliminate responsibility for fraud, gross fault,

or breach of mandatory legal duties, but it relies more heavily on general civil-law doctrine to reach this conclusion (Al-Bakr, 2010; Al-Ziyadi, 2018). The comparative evaluation therefore reveals that both systems share the basic policy objective of preventing directors from using internal agreements or the separate personality of the corporation to escape responsibility for serious misconduct, yet Iranian law provides a more detailed statutory structure, whereas Iraqi law depends more extensively on interpretation and general principles. This difference affects legal certainty. Greater statutory detail can enhance predictability, but excessive doctrinal complexity may create interpretive disputes; conversely, a more concise system may appear conceptually simpler while leaving courts with insufficient guidance. Accordingly, both legal systems would benefit from clearer differentiation among liability toward the company, shareholders, and third parties, more precise standards for the duty of care and duty of loyalty, and more explicit regulation of joint liability and exemption clauses (Keay, 2017; Kraakman, 2017).

In conclusion, the comparative analysis demonstrates that the liability of directors in Iranian and Iraqi joint-stock companies cannot be adequately explained through traditional agency doctrine alone. In both systems, the board of directors increasingly functions as an institutional organ of the company whose authority and responsibilities derive from the legal structure of the corporation as well as from its governing documents. Iranian law provides a more developed and differentiated statutory framework for directors' liability, particularly with respect to violations of law, articles of association, resolutions of the general meeting, managerial fault, and certain forms of joint and several liability. Iraqi law recognizes comparable substantive concerns but regulates them with less statutory detail

and therefore relies more heavily on general civil-liability principles and judicial interpretation. Both systems seek to balance managerial autonomy with accountability, protect the separate legal personality of the company without permitting abuse of that personality, and distinguish corporate loss from direct shareholder or third-party harm. The principal weakness of Iranian law lies in continuing ambiguities concerning the relationship between contractual and non-contractual liability, the precise legal position of exemption clauses, and the boundaries of claims belonging to shareholders and third parties. The principal weakness of Iraqi law is the lack of sufficiently detailed legislative rules concerning the forms of directors' liability, the scope of joint liability, and the procedural and substantive rights of injured stakeholders. Legislative clarification in both jurisdictions should therefore focus on defining directors' duties more precisely, establishing a coherent standard of prudent management, differentiating the legal consequences of direct and indirect harm, and creating a predictable framework for liability that simultaneously protects legitimate business judgment and ensures effective compensation for wrongful managerial conduct.

References

- Al-Bakr, J. M. (2010). *Directors' civil liability in companies*. Dar al-Thaqafa.
- Al-Bayati, S. (2011). *Joint-stock companies and their management*. Maktabat al-Sanhuri.
- Al-Ziyadi, N. Z. J. (2018). *Civil liability arising from a third party's breach of contract: A comparative study* [University of Babylon].
- Demirchili, M., Hatami, A., & Gharaei, M. (2018). *The Commercial Code in the current legal order*. Dadsetan.
- Deylami, A. (2011). A reflection on different interpretations of joint and several liability. *Islamic Jurisprudence and Law*, 2(3), 89-118.
- Ebrahim, Y. (2015). *Directors' liability in joint-stock companies*. Jangal.
- Eisaei Tafreshi, M. (2016). *Commercial company law* (Vol. 1). Tarbiat Modares University Press.
- Erfani, M. (2010). *Commercial law* (6 ed., Vol. 2). University Jihad.

- Eskini, R. (2019). *Commercial law: Commercial companies* (3 ed., Vol. 1). SAMT.
- Ghasemi, M. R. (2016). *Directors' civil liability in legal systems*. Dadgostar.
- Habibzadeh, M. J. (2016). *Commercial company law*. SAMT.
- Jasim, F. E. (2017). *A concise account of commercial companies*. Al-Maktaba al-Qanuniyya.
- Katouzian, N. (2015). *Civil law: Specific contracts* (10 ed., Vol. 3). Mizan.
- Keay, A. (2017). *Corporate liability* (3 ed.). Hart Publishing.
- Khalil, A. (2008). *Commercial companies in Iraqi legislation*. University of Baghdad Press.
- Khosravi, S. (2016). *Civil liability of directors of joint-stock companies under the new Commercial Bill* Shahid Ashrafi Esfahani University].
- Kraakman, R. (2017). *The anatomy of corporate law: A comparative and functional approach* (3 ed.). Oxford University Press.
- Mohammad Sami, F. (1999). *Commercial law: A comparative study*. Dar al-Ulum al-Arabiyya.
- Nekouei, M. (2014). Instances of invalidity of exemption clauses: A comparative study. *Private Law Studies*, 44(2), 253-273.
- Ouladi, M. (2008). *Civil liability of directors of joint-stock companies: A comparative study* University of Tehran].